

**Transnational networks transition from modernity to postmodernity**

Abstract

Local societies are the most fundamental and preliminary pivot on which the international relations in other words international community are developed. During years while the concept of "government" was being introduced, the goal of integrating governments and forming a single international community, which nowadays, as a growing phenomenon, plays the leading role in the world community, was always pursued. However, to achieve this goal which is about to be fulfilled in current situations, unifying viewpoints of the involved governments and the international system takes priority as well as resolving disagreements. In addition, efforts to develop new and advanced discipline was strengthened. In new international discipline, by putting aside governments as the main actors of the international community and replacing the government agents who build up horizontal networks aligned with special subjects which are related to themselves instead of the independent presence of the governments; the international competition was created between the subordinates and the patterns. Although some international followers struggle with the limitations of transnational processes on domestic society and seek to facilitate the onerous transition from tradition to modernity by using the effects of the globalization process, it seemed necessary to amend previous laws to be responsive to the global activities of organizations that now face the changing nature of new structural patterns. Therefore, the need to provide a pattern for organizing the subordinates, led to the world politics official acceptance of these networks and not only prepared to strengthen the core of the structure of the new world discipline, but also tried to help the transition from modernity to postmodernity. These networks, known as transgovernmental networks, emerged by leaving behind transnational networks and transgovernmental relations, and are trying to bring about a more advanced overall structure in the international community. In this essay we are conducting a research for examining, evaluating and applying transgovernmental networks in international law with the aid of a descriptive-analytical method.

Key words: International Subjects, International Government, Transgovernmental Relation, Transgovernmentalize, Transgovernmental network

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.287867.1760>

### شبکه‌های فراحکومتی راه‌گذار از مدرنیته به پست مدرنیته

مرضیه دست بالا<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

علیرضا ظاهری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده

جوامع داخلی اصلی‌ترین و ابتدائی‌ترین هسته تشکیل روابط بین‌الملل یا به عبارت بهتر، جامعه بین‌المللی هستند. در طول سالیان متمادی همزمان با شکل‌گیری مفهوم دولت، آرمان ایجاد یگانگی بین حکومت‌ها و تشکیل جامعه واحد بین‌المللی، که امروزه به عنوان مقوله‌ای رو به گسترش، حرف نخست را در جامعه جهانی می‌زند؛ همواره مطرح بوده است. اما برای نیل به این آرمان که در شرایط فعلی نشانه‌هایی از امکان را یافته است، یکسان‌سازی دیدگاه‌های بازیگران و تابعان نظام بین‌المللی همچنین رفع اختلافاتشان در اولویت قرار گرفته و تلاش برای ایجاد نظم جدید و پیشرفته جهانی قوت می‌گیرد. در نظم جدید جهانی با کنار گذاشتن دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین بازیگران جامعه بین‌المللی و جایگزینی ماموران دولتی تشکیل دهنده شبکه‌های افقی و هم‌عرض با موضوعات خاص و مرتبط به خودشان به جای حضور مستقل دولت‌ها؛ رقابت بین‌المللی میان تابعان والگوها ایجاد گردید. با وجود اینکه برخی تابعان المللی با محدودیت فرآیندهای ماورای ملی بر جامعه داخلی دست و پنجه نرم می‌کنند و در تلاشند با استفاده از تاثیرات فرآیند جهانی سازی راه طاقست فرسای گذار از سنت به مدرنیته را تسهیل نمایند؛ اصلاح قوانین گذشته که پاسخگوی فعالیت جهانی سازمان‌ها که اکنون با ماهیت دگرگون‌الگوهای جدید ساختاری روبرو شدند، ضروری به نظر می‌رسید. لذا نیاز به ارائه نوعی الگو جهت ساماندهی به تابعان، منجر به استقبال رسمی سیاست جهانی از این شبکه‌ها شد و نه تنها آماده تقویت هسته ساختار نظم نوین جهانی گردید بلکه در راستای گذار مراحل مدرنیته به پست مدرنیته کوشش نمود. این شبکه‌ها با نام شبکه‌های فراحکومتی با پشت سر گذاشتن شبکه‌های فراملی<sup>۳</sup> و روابط فراحکومتی<sup>۴</sup> پایه عرصه وجود گذاشته و سعی در به ظهور رساندن ساختار کل پیشرفته‌تری در جامعه بین‌المللی دارد. در این جستار با استعانت از روش توصیفی تحلیلی به دنبال بررسی، ارزیابی و کاربرد شبکه‌های فراحکومتی در حقوق بین‌الملل خواهیم بود.

واژگان کلیدی: تابعان بین‌المللی، حکومت بین‌المللی، روابط فراحکومتی، فراحکومت‌گرایی، شبکه فراحکومتی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حقوق، تهران، ایران.<sup>۱</sup>

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حقوق، تهران، ایران.<sup>۲</sup>

جهان امروز جهانی متفاوت از روابط و مناسبات کلاسیک حاکم بر جامعه بین‌المللی است که در آن، جوامع، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها و اقتصادها به یکدیگر نزدیک‌تر شده، مناسبات اجتماعی تشدید یافته و بازیگران غیردولتی چون سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و شبکه‌های فراحکومتی اهمیت خاص یافته‌اند. جهانی که در نتیجه رفتار عقلانی و مستدل بازیگران بین‌المللی (اغلب دولت‌ها) به وجود آمده است. از آنجایی که افزایش هرچه بیشتر وابستگی‌های متقابل دولت‌ها در مسائل بین‌المللی منجر به افزایش تقاضا برای ایجاد اشکالی از حکمرانی بین‌المللی<sup>۱</sup> برای تنظیم و نظارت بر این روابط شده است، لذا دولت‌ها مصرانه در تلاش بوده‌اند تا طی فرآیندهایی جامعه بین‌المللی را پذیرای هنجارهای جدید و توسعه روابط میان سازمانی<sup>۲</sup>، فراملی و فراحکومتی کنند تا از این طریق به حیات خود ادامه دهند. بدین منظور با در دسترس قرار دادن و ارائه اطلاعات کارآمد، کاهش هزینه تعاملات در سیاست جهانی و تغییر شرایط ساختاری (مانند شرایط ناشی از برتری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی) باعث تسهیل ایجاد هنجارهای جدید شوند.

تحولاتی چون پیچیدگی‌های خاص جهان جدید و ظهور موازنه‌های نسبتاً مجزا (مانند موازنه سیاسی، فرهنگ، اقتصادی)؛ تکامل حقوق بشر و جوامع بشری (جامعه مدنی جهانی، افکار عمومی و...) تناقض دموکراسی و لیبرالیسم با هژمونی (نمی‌توان در داخل و برای جوامع دیگر دموکراسی را تجویز و توصیه نمود، اما در سطح بین‌الملل دیکتاتور مآبانه عمل کرد)، که در سطح بین‌المللی ایجاد شدند به نظر نگارنده تحولاتی در افکار عمومی جامعه بین‌المللی و نیز سطوح اجتماعی و فرهنگی جوامع داخلی نیز به دنبال داشته است که امکان هژمونی گسترده (دیکتاتوری) را به لحاظ فکری و فرهنگی محدود ساخت.

با ظهور موازنه‌های نسبتاً مجزا، ارتباط میان کشورها افزایش یافت. از یک سو سازمان‌های غیردولتی سعی بر تکمیل پروسه تجزیه مابین سیاست خارجی از داخلی را داشتند و با این کار خود توانستند تا حدودی دستور کار سیاست خارجی را بسط دهند. این فرآیند با توسعه جوهره سیاست خارجی فرآیندی معادل فراملی‌گرایی را ترویج کرد. در این خصوص کوهان<sup>۳</sup> و نای<sup>۴</sup> به عنوان بنیان‌گذار نام شبکه‌های فراحکومتی و ترویج آن معتقدند که باید سیاست داخلی را بعنوان متغیر اصلی از سیاست خارجی حذف کنیم و تنها متغیر وابسته باید نحوه رفتار کشورها باشد. آنها با انعکاس مفهوم ارائه شده توسط کارل

<sup>۱</sup>Inter-institutional relations

<sup>۲</sup>Robert O. Keohane

<sup>۳</sup>Joseph S. Nye

کایزر<sup>۱</sup> (از عاملان ترویج اصل روابط فراحکومتی) در تحقیقات خود عنوان می‌کنند که روابط بین‌الدولی<sup>۲</sup> رفته رفته و به صورت نامحسوس تبدیل به روابط فراحکومتی شده است.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر سازمان‌های فعال در سطح بین‌الملل، از نقش خود فراتر رفته و به محلی برای جلوه‌گری و تاثیر بر دیگر بازیگران جامعه بین‌المللی از جمله افکار عمومی، نهادهای مدنی و... همچنین بر روند پیش روی جامعه بین‌المللی تبدیل شده‌اند. حتی در مواردی نیز زمینه ظهور بازیگران جدید را هم فراهم آوردند. (بیگ زاده، ۱۳۹۱: ۵۱) لذا از دید نگارنده می‌توان در دراز مدت از سازمان‌های بین‌المللی بعنوان جایگاهی برای فعالیت‌های نهادینه یاد نمود که می‌تواند یک پیکره اجتماعی واقعی با عکس‌العمل‌ها، منافع مشترک و ایدئولوژی خاص خویش را بوجود آورد. بدین ترتیب سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها را در تشکیل شبکه‌های جدید فراتر از ساز و کار حقوق بین‌الملل یاری نمودند.

یکی از مبانی تشکیل روابط و شبکه‌های فراحکومتی ایده وابستگی پیچیده متقابل می‌باشد که توسط رابرت کیشن<sup>۴</sup> و جوزف نای طراحی و توسط ریچارد کوپر<sup>۵</sup> متداول گردید و توسط ریموند لسلی بیول<sup>۶</sup> در سال ۱۹۲۵ برای توصیف ترتیب جدید میان اقتصاد، فرهنگ و نژاد مورد استفاده قرار گرفت؛ این ایده با سه شاخص اصلی خود که عبارتند از:

- ایجاد کانال‌های اشتراکی میان سه رویکرد ارتباطی بین‌دولتی<sup>۷</sup>، فراحکومتی و فراملی جوامع،
- عدم ایجاد سلسله مراتب و اولویت بندی موضوعات و اهداف آنها،
- کاهش در استفاده از نیروی نظامی و قدرت اجباری در روابط بین‌المللی،

قدرت گرفت (Buell, 1925:5) و با کاهش استفاده از نیروی نظامی به عنوان ابزار سیاست و افزایش تبادلات اقتصادی میان کشورها و دیگر شیوه‌های وابستگی متقابل، سعی بر افزایش همکاری میان دولت‌ها را داشته است. (Keohane, Nye, ۲۰۱۱: ۵۸)

<sup>۱</sup>Friedrich Carl Georg Kaiser  
<sup>۲</sup>Intergovernmental Relations

<sup>۳</sup>See: Suhr, 2005:97-101

<sup>۴</sup>Robert Keen

<sup>۵</sup>Richard N. Cooper

<sup>۶</sup>See: Crane, Amawi, 1997:107-109

<sup>۷</sup>Raymond Leslie Boyle

<sup>۸</sup>Intergovernmental network

نظریه پردازان با به رسمیت شناختن روابط فراملی مختلف و پیچیده، به مهمترین ویژگی‌های مورد توجه در نظریه وابستگی متقابل، نقش قدرت در سیاست و روابط بین بازیگران بین‌المللی، توجهی ویژه نشان دادند. لذا رویکرد وابستگی متقابل برای مدت زمان طولانی، وابستگی و روابط میان شبکه‌های بین سازمانی را توجیه می‌کرد.<sup>۱</sup>

## ۲. فراحکومت‌گرایی<sup>۲</sup> و مبانی نظری شبکه فراحکومتی<sup>۳</sup>

در نظر تحلیل‌گران حقوق بین‌الملل نامگذاری و شناسایی انواع شبکه‌های متأثر از حکومت اهمیت بیشتری از تعریف و بیان وجوه تمایز آنها دارد. به تعبیر آنان اکثر شبکه‌ها در دامنه پدیده بزرگتر فراحکومت‌گرایی گنجانده می‌شوند. فیلیپ جساپ<sup>۴</sup> از اندیشمندان به نام حقوق بین‌الملل مقررات را چنین تعریف می‌نماید: «مقرراتی که عملکردها و یا وقایعی که پا از مرزهای ملی فراتر می‌گذارد را در خود جای می‌دهد، این مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی و عمومی را نیز شامل می‌شود چرا که هیچ مقررات دیگری وجود ندارد که با استانداردهای خاص خود عملکردهای فراملی را پوشش دهد.» (Jessup. 1956: 814)

هنری اشتاینر<sup>۵</sup> و دتلو واگتزر<sup>۶</sup> چندی بعد در کتاب خود علاوه بر این تعریف مطالبی جمع آوری نمودند تا شکاف و خلاء میان جهان حقوق داخلی و بین‌المللی را با این مقررات از میان بردارد.<sup>۷</sup> از دهه ۶۰ و ۷۰ اندیشمندان تلاش برای گسترش روابط فراحکومتی داشتند اما دو مسئله ذهن آنان را به خود مشغول می‌داشت:

✓ شبکه‌های ایجاد شده را به سازمان‌های داخلی باید نسبت داد یا سازمان‌های بین‌المللی؟

برای پاسخ به این پرسش کوهان و نای در کتاب خود عنوان می‌کنند که روابط فراحکومتی یک ارتباط، ائتلاف و تعامل شناخته می‌شود که فراسوی مرزهای کشورها شناخته شده و ارگان‌های مرکزی سیاست خارجی حکومت بر آن کنترلی ندارند.

<sup>۱</sup> See: thurner, Urban Pappi.2009: 89

<sup>۲</sup> Transgovernmentalize

<sup>۳</sup> Transgovernmental network

<sup>۴</sup> Philip C. Jessup

<sup>۵</sup> Henry Steiner

<sup>۶</sup> Delto Vagets

<sup>۷</sup> اشتاینر و واگتزر به مفهوم گسترده بروی موضوعاتی تمرکز کردند که شامل جنبه‌هایی از نظام‌های حقوقی است. اصول و فرآیندهای تصمیم‌گیری را بررسی می‌کردند و بطورخاصی برای سامان دادن مسائل مربوط به برخی از عناصر خارجی تلاش می‌نمودند. شرکت کنندگان در فعالیت فراملی شامل اشخاص یا شرکت‌های خصوصی، دادگاه‌های ملی یا قانونگذاران یا معاهده نویسان یا عوامل حکومتی، ماموران بین‌المللی و سازمان‌های منطقه ای و بین‌المللی می‌باشند.

همچنین با توجه به عملکرد این شبکه‌ها که فراتر از مقررات بین‌المللی عمل می‌نمایند، لذا عملکرد آنها را نه می‌توان به سازمان‌های داخلی و نه به سازمان‌های بین‌المللی<sup>۱</sup> نسبت داد.<sup>۲</sup>

✓ شبکه‌ها باید بر حسب فعالیتشان دسته بندی شوند یا بازیگرشان؟

در راستای پاسخ به این پرسش ساموئل هانتینگتون<sup>۳</sup> آندی‌شمند حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارد که برای شناسایی روابط فراحکومتی و دسته بندی شبکه‌های فراحکومتی نباید بر روی بازیگران درگیر در پروسه تمرکز شود بلکه در عوض با بررسی فعالیت آن شبکه دسته بندی شوند. وی فراحکومت‌گرایی را به عنوان یک مدل خاص برای توسعه حقوق بین‌المللی می‌داند که بنیانش با آزادی عمل شبکه‌ها تشکیل می‌گردد نه قدرت و کنترل بر رفتار اعضای جامعه بین‌الملل.<sup>۴</sup>

سال‌ها بعد، نای و کوهان بطور صریح فعالیت فراحکومتی را از طبقه گسترده فعالیت فراملی تفکیک کردند، روابط فراحکومتی را به عنوان مجموعه ای از تعاملات مستقیم در میان واحدهای فرعی حکومت‌های مختلف تعریف می‌کند که بواسطه سیاست‌های کابینه یا روسای دولت‌ها کنترل و هدایت نمی‌شوند. آنها از فرانسیس باتور<sup>۵</sup> در مورد این قضیه نقل قول می‌کنند " این حقیقتی اصلی در روابط خارجی است که تجارت توسط بخش‌های مجزا با بوروکراسی‌های خارجی آنها بواسطه روابط رسمی و غیررسمی انجام می‌شود."<sup>۶</sup> امر مورد توجه آنها در خصوص این شبکه‌ها شناسایی روش‌های مختلف جهت ارتقای کیفیت مدیریت بین‌المللی در سیاست‌های فراحکومتی و همچنین سیاست‌های فراملی و ارائه به سازمان‌های بین‌المللی است تا از این طریق نقش مهمی در سیاست‌های جهان ایفا کنند.<sup>۷</sup>

البته نظریه‌های مرتبط با حقوق و روابط بین‌الملل سالهای متمادی بر ارزیابی موضوع یگانگی حکومت‌ها<sup>۸</sup> و جامعه واحده متمرکز بوده اند. (OECD.2016:15)

<sup>۱</sup> آنها یک مجموعه فرعی جداگانه از تعاملات بین‌المللی را به عنوان حرکت ملموس یا آیتم‌های غیرملموس سراسر مرزهای کشور شناسایی می‌کنند و این در زمانی است که یک بازیگر یک عامل یک حکومت یا یک سازمان بین‌حکومتی نمی‌باشد.

<sup>۲</sup>See: Keohane.1974: ۳۳۹-۳۴۳

<sup>۳</sup>Samuel P. Huntington

<sup>۴</sup>See: Keohane.1974: ۳۳۹-۳۴۳

<sup>۵</sup>Francis Bator

<sup>۶</sup>See: Keohane.1974:42

<sup>۷</sup>See: Keohane.1974: ۳۴۲

<sup>۸</sup>Unity of Governments

جان ژرارد راجی، میشل فوکو،<sup>۴</sup> اُران یانگ،<sup>۵</sup> پوچالا<sup>۶</sup> و هاپکینز<sup>۷</sup> همه از جمله اندیشمندان حقوق و روابط بین‌الملل بوده‌اند که تعاریفی متفاوت از حکومت بین‌الملل ارائه کردند اما پایه و اساس اصلی تعریف و توصیف رایج از حکومت بین‌الملل برگرفته از دیدگاه کوهان می‌باشد.

از نظر اُران یانگ، حکومت نهادی اجتماعی است که بر شیوه به رسمیت شناختن و همگرایی انتظارات تاکید می‌کند. پوچالا و هاپکینز نیز رژیم را هر نوع رفتاری با الگوی قابل تشخیص می‌دانند. جان ژرارد راجی مفهوم حکومت را در واکنش به نقش اغراق آمیز سازمان‌های بین‌المللی در مطالعات روابط بین‌الملل به جامعه معرفی نمود. در تعریف وی جامعه بین‌المللی تشویق به آنالیز واکنش دولت‌ها و پاسخ جمعی آنها به رویدادهای جهانی و الگو برداری گسترده و غیررسمی از این واکنش‌های فرادولتی است.

ژرارد تلاش نمود تا مفهومی گسترده‌تر از مفهوم موجود، از فضای کاری دولت‌ها در جامعه بین‌المللی ارائه کند. این تغییر هدف کاربرد دولت‌ها به نفع کوهان و نای بود زیرا با مفهوم جدید توانستند رژیم‌های بین‌المللی که از سال ۱۹۷۷ ظهور یافته بود را در چهارچوب تحلیلی شان بگنجانند. ژرارد راجی با استناد به نظریات میشل فوکو درصدد بود تا با «نگاه غالبی و واقع بینانه به واقعیت‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از نمادهای مشترک، انتظارات متقابل و ارجاعات دولت‌ها به یکدیگر، و پیش بینی آینده حکومت بین‌الملل و قصد متقابل دولت‌ها» را در محدوده «صحیح واقعیت اجتماعی بین‌المللی» جهت ساخت پایه و اساس حقوق بین‌الملل طراحی کند.<sup>۷</sup>

کوهان که می‌توان وی را مبدع اصلی شبکه‌های فراحکومتی دانست، با استعانت از ایده‌های ژرارد راجی از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد، به سمت مباحث مبتنی بر واقع‌گرایی گرایش یافت و به همراه و به پیروی از او بسیاری از افراد در رشته روابط بین‌الملل نیز به همین سمت کشیده شدند.

تعاریف فوق‌الذکر از نظام بین‌المللی، مبانی ایده‌تقلیل اثرگذاری نظام‌های هژمونی و قدرت‌های برتر بر نظام بین‌المللی کوهان را تشکیل داد. حکمرانی بین‌المللی از نظر کوهان و نای عبارت از چیدمان‌های دولتی است که هدف شان تنظیم و کنترل روابط فرامرزی بین دولت‌ها است. به موجب این دیدگاه یک حکومت داخلی صرفاً بعنوان یک متغیر مهم و اصلی جهت تشکیل

<sup>۱</sup>John Gerard Ruggie

<sup>۲</sup>Michel Foucault

<sup>۳</sup>Oran Young

<sup>۴</sup>Puchala

<sup>۵</sup>Hopkins

<sup>۶</sup>وی در کتاب خود استدلال می‌کند که رژیم‌های بین‌المللی می‌توانند به وسیله اهداف مورد نظر، ابزارهایی که استفاده می‌شود و عملکرد ابزارهای مورد استفاده برجسته گردد.

<sup>۷</sup>See: Suhr.2005: 102

ساختارهای نظام بین‌المللی و کنش‌های قدرت طلبانه، و پیامدهای مربوطه آن در نظر گرفته می‌شود. کوهان و نای در سال ۱۹۷۷ به محدودیت‌های این نوع تعریف از نظام بین‌الملل و عدم قدرت پیش‌بینی آینده حکمرانی بین‌المللی اشاره کرده بودند.

پس از آنکه اندیشمندان با ارائه دیدگاه‌های خود در خصوص حکمرانی بین‌المللی آن را به رسمیت شناختند؛ این اصطلاح تبدیل به یکی از مرسوم‌ترین واژه‌ها در مطالعات روابط بین‌الملل در حوزه‌های آمریکا، اسکانندیناوی و آلمان شد. اما اینکه هیچ توافق و اتفاق نظری در خصوص معنای حکمرانی بین‌المللی و اهمیت تبیینی آن وجود نداشت؛ سرعت روند توسعه روابط بین‌الملل را کاهش می‌داد. کوهان سعی بر آن داشت تا رویه‌ای ثابت در این خصوص ایجاد نماید از این رو تا حد زیادی با تعریفی که کراسنر در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه می‌کند؛ موافقت نمود یا حداقل اهمیت نیل به توافق میان شرکت‌کنندگان و اعضای سازمان بین‌المللی جهت پیشرفت جامعه بین‌المللی طبق قواعد ایجاد شده را می‌پذیرد.

تعریف کوهان بیشتر بر قدرت تبیینی و توضیحی بُعد هنجاری روابط بین‌الملل تاکید دارد. اما وی همانند دیگر محققان آمریکایی این دغدغه را داشت که چه سرنوشتی در انتظار نظم بین‌المللی است.<sup>۲</sup>

او مدعی شد که از نظر کاربردی تمایز بین اصول، هنجارها و مقررات ممکن نیست اما دقیقاً همین پیوستگی و ارتباط فی مابین اصول، هنجارها و مقررات است که به رژیم‌های بین‌المللی مشروعیت می‌بخشد. (Boulder.1967-77: ۱۰۲) به عبارتی او نظریه تداوم تسلط و برتری دولت‌های قدرتمند که موجبات افول و سقوط غیرارادی رژیم‌های بین‌المللی را فراهم می‌کند را زیر سوال برد.

ابتدا کوهان در پی بررسی «تاثیر تغییرات داخلی حکومت‌ها بر همکاری و تشریک مساعی کشورهای صنعتی پیشرفته در سطح بین‌المللی» بود. (Princeton. ۱۹۸۴: ۴۱) وی بر این باور است: از آنجایی که دولت‌ها با اهداف بلند مدت ایجاد و شروع به کار می‌کنند، لذا در جایگاه مستقل و ویژه به نسبت جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرند؛ اما بهر حال ثبات رژیم بین‌المللی را به گونه‌ای منوط به ثبات جوامع داخلی می‌داند.<sup>۳</sup>

گروتیان<sup>۴</sup> بر خلاف کوهان معتقد است که مقررات به محض ایجاد بر رفتار عاملان و بازیگرها تسلط می‌یابند، اما در دنیایی که کوهان تعریف کرده، رژیم‌های موجد نظام بین‌الملل اگرچه که برای تبیین مقررات رفتاری بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند اما همیشه رفتار عاملان غیرقابل پیش‌بینی است. فلذا طبق این تعریف کشورهای موجد نظام بین‌الملل، مولفه و اجزای نظام بین‌المللی و ساز و کار رفتارهای بین‌الملل را تعیین می‌کنند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>Krasner

<sup>۲</sup>See: Boulder.1967-77: 62-132.

<sup>۳</sup>See: Suhr.2005: 103

<sup>۴</sup>Grotian

<sup>۵</sup>See: Princeton. 1984: 41



در اوایل دهه ۱۹۸۰ کوهان از احتمال ظهور رژیم‌های جدید در نتیجه همکاری برابر میان دولت‌ها با منافع مشترک یا مکمل سخن به میان آورد از این رو بر محرک‌هایی متمرکز می‌شود که بازیگران را متوجه تاثیر خود کند. به عبارتی اگر دولت‌ها در عین حال که به دنبال منافع خود هستند، منطقی عمل کنند، همکاری بین آن‌ها مادامی که منافع مشترک یا مکمل داشته باشند برقرار خواهد بود. لذا نظریه کاربردی از حکومت‌ها را ارائه نمود:

"حکومت‌ها با اعمال منطقی و با هدف دستیابی به تاثیرات و منافع معینی حکمرانی بین‌المللی را ایجاد کرده یا حفظ می‌کنند."<sup>۳</sup>

وی بر این باور بود که متمرکز شدن بر ظهور یا حفظ نظام بین‌المللی با تاکید بر قصد و نیت عاملان و بازیگران و چگونگی عرضه ایده‌های هژمونیک دول، کاملاً یکطرفه است لذا تعریف مقررات از سمت دولتها یک الگوی رفتاری تکرار شونده ایجاد می‌کند. (Princeton.1984: 8)

اصل بر آن است که دولت‌ها استراتژی خود در راستای موضوعات مرتبط و تقویت کننده نظام بین‌المللی را براساس عملکردی مناسب انتخاب کنند، چرا که این حوزه‌ها محل فعالیت بین‌المللی دولتهاست که رفتار دولت‌ها با یکدیگر را تنظیم می‌کنند. در نتیجه، دامنه شمول جنگ فرضیه‌های کوهان در برنامه پژوهشی نه تنها دولت‌ها که حضور کمربنگ یا پر رنگ در تعاملات بین‌المللی دارند را در بر می‌گیرد بلکه همچنین حوزه فعالیت دولت‌ها در سازمان بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد. نقطه قوت این تعبیر کاربردی، توانایی آن در تقویت ثبات و ماندگاری یک دولت و حکومت حتی در صورت تغییر شرایط ساختاری اولیه و آغازین ایجاد آن حکومت است. از این رواعضای جامعه بین‌المللی (کشورها) ترجیح می‌دهند که وضعیت کنونی خود را پذیرا باشند و در صورت نیاز تغییراتی کوچک در آن ایجاد نمایند.<sup>۴</sup>

### ۳. شکل‌گیری شبکه‌های فراحکومتی از سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۰

نظریه پردازان معروف روابط بین‌الملل، بطور عمده علاقه خود را به روابط فراملی و فراحکومتی را در طول دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ از دست دادند، زیرا علایق آنها بر مطالعات مربوط به امنیت و رژیم‌های بین‌ایالتی<sup>۵</sup> متمرکز بود. وقایعی چون ناپایداری دو قطبی بودن جهان پس از جنگ سرد، پیگیری بازیگران غیردولتی، فراملی و وابسته به کشورهای کوچک برای تداوم

<sup>۱</sup>See: Suhr.2005: 103

<sup>۲</sup>See: Keohane, Krasner, Ithaca. 1983: 349.

<sup>۳</sup>See: Princeton. 1984: p 10

<sup>۴</sup>See: Suhr.2005: 103

<sup>۵</sup>Interstate regimens

و پیوند جوامع چند سطحی<sup>۱</sup> توسط شبکه‌ها در دهه ۹۰ توجه جامعه بین‌المللی را بر نسل جدید اعضای جامعه بین‌المللی با عنوان شبکه‌های فراهکومتی جلب نمود.<sup>۲</sup>

بعدا پیتر هاس<sup>۳</sup> با بررسی نقش و قدرت جوامع دانش محور شبکه‌های حرفه‌ای با مهارت و صلاحیت شناخته شده در یک حوزه خاص و یک هدف معتبر برای دانش مربوط به سیاست درون آن حوزه یا زمینه موضوع تعریف می‌کند.<sup>۴</sup> این شبکه‌ها با به اشتراک گذاری تاثیر قدرت آموزش و دانش بر سازمان‌ها ضرورت ادامه حیات خود را نشان داد و به پلکانی برای تایید و نظم دهی شبکه‌های فراهکومتی تبدیل گشت.

متمرکزترین نمونه برای تجمع حکمرانی‌های چند سطحی<sup>۵</sup> و مخصوصا سازماندهی تعاملات فراهکومتی، اتحادیه اروپا می‌باشد. در راستای تکمیل بازار واحد اروپایی در سال ۱۹۹۲، اتحادیه اروپا به مثابه یک کشور سازماندهی کننده ظاهر شد که با تصویب قانون اختیار وضع مالیات و خرج کردن آن نظام اقتصادی را در دست گرفت.<sup>۶</sup> اتحادیه اروپا در پاسخ به چالش‌های هماهنگ سازی یا تطبیق قوانین مختلف کشورهای عضو، سیستم قانونگذاری شورای وزیران، که به پروسه پیچیده تصمیم گیری شورا کمک می‌کند، را به منظور تاثیرگذاری بر اعضای شبکه تاسیس نمود.<sup>۸</sup>

اولین تاثیر قدرت و تاثیرات ایجادي توسط شبکه‌های فراهکومتی در سازمان و فعالیت‌های نظم دهندگان مالی داخلی قابل مشاهده بود. کمیته بازل جهت نظارت بر بانکداری در سال ۱۹۷۴ ایجاد شد و اکنون متشکل از نمایندگان ۶۰ بانک مرکزی است. به عبارت بهتر بزرگترین بازارهای بانکداری جهان را تحت نظارت دارد<sup>۷</sup>. با صدور موافقت نامه بازل و اصلاحات آن بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۲ همکاری میان نظام سازماندهی (کمیته بازل) و بانک‌های چند ملیتی با تقسیم وظایف مشخص تقویت شد. در سال ۱۹۸۸ کمیته بازل مجموعه ای از استانداردهای مالی را با عنوان استانداردهای سازماندهی اقتصاد درون کشورها تصویب و به کشورهای عضو ابلاغ نمود تا میزان دسترسی به اطلاعات و اعتبارات بانکداری داخلی افزایش یابد.<sup>۱۰</sup>

پس از آن سازمان بین‌المللی کمیسیون اوراق بهادار<sup>۱۱</sup> در سال ۱۹۸۴ بوجود آمد و پس از خلق انجمن بین‌المللی نظارت بر بیمه به همراه کمیته بازل، این سه شبکه به عنوان شبکه‌های فراهکومتی پاسخگو برای ثبات مالی سراسر جهان در

<sup>۱</sup>Multilevel communities

<sup>۲</sup>See: Friedman. 2012: 17-23.

<sup>۳</sup>Peter M. Haas

<sup>۴</sup>See: Haas.1992: 1-3.

<sup>۵</sup>Multilevel governance

<sup>۶</sup>Organizer country

<sup>۷</sup>See: Giandomenico. 2011: 84-6.

<sup>۸</sup>See: Hayes. 1997: 254.

<sup>۹</sup>[https://www.bis.org/about/member\\_cb.htm?m=1%7C2%7C601\(15/01/2019\)](https://www.bis.org/about/member_cb.htm?m=1%7C2%7C601(15/01/2019))

<sup>۱۰</sup>See: Porea:1993: 281-4.

<sup>۱۱</sup>International organization of Securities Commissions (Iosco)

دهه ۹۰ شناخته شدند. که با عنوان گردهمایی ثبات مالی<sup>۱</sup> شروع به فعالیت نمودند. همانطور که تعدادی از اندیشمندان از جمله کوهان و نای اشاره کرده اند، این شبکه‌ها با مدل یک سازمان که توسط اعضای رسمی جامعه بین‌المللی یا اندیشمندان سیاسی اداره می‌شود متفاوت است و از جمله این تفاوت‌ها عبارتند از:

- متشکل از دولت‌ها نیستند و بواسطه معاهدات بوجود نمی‌آیند؛
  - از شخصیت حقوقی برخوردار نیستند؛ آنها دائمی نیستند و دفتر مرکزی ندارند.
  - این شبکه‌ها بخشی از یک سیاست کلی برای حرکت از سوی دولت به حکمرانی بین‌المللی هستند که با به اشتراک گذاری تکنیک‌های علمی یا حرفه‌ای توسط نمایندگان به نهادهای مشخص انتقال می‌شوند.<sup>۳</sup>
- خاستگاه نظام ساماندهی حکمرانی چند سطحی شبکه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۴</sup> بوده است. اعضای این شبکه با توسعه استراتژی‌ها برای

همکاری نظام مند و ایجاد روابط حسنه و مستقل به سامان دهی اقتصاد و شبکه‌های مالی خود کمک نمودند. به طور کلی شبکه‌های فراحکومتی در پاسخ به این نیازها توسعه یافتند. اما، همانطور که در بررسی<sup>۵</sup> سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۱۹۹۴ عنوان شد، حضور صورت یا اشکال جدید اعضای حکمرانی بین‌المللی برای ایجاد همکاری نظام مند میان کشورها ضروری است. آنها باید درون یک چهارچوب اصولی مدیریت شده تا که سطح تاثیر پذیری و کیفیت نتایج خودشان بهبود یابد و از روندهای دموکراتیک طراحی شده محافظت کنند.<sup>۶</sup>

از دیگر شبکه‌های موثر در اثبات وجود شبکه‌های فراحکومتی شبکه همکاری اقتصادی ماوراء اقیانوس اطلس (ماورا آتلانتیک)<sup>۷</sup> است. هرچند این شبکه تنها یک زیر مجموعه از نظام ساماندهی چند سطحی<sup>۸</sup> می‌باشد اما وجود ابتکاراتی در اداره آن توانسته است بر روسای کشورهای عضو تاثیر گذار باشد. همانطور که مارک پولاک و گریگوری شافر توصیف کردند،

<sup>۱</sup> گردهمایی ثبات مالی (Financial Stability Forum) توسط وزرای مالی و روسای بانک مرکزی کشورهای صنعتی عضو گروه هفت در فوریه ۱۹۹۹ شروع به کار کرد، طی این گردهمایی گروهی منتخب از نمایندگان کمیته بازل، IOSCO و IAIS معرفی شده توسط مقامات ارشد ملی که مسئولیت ثبات مالی در مراکز مالی بین‌المللی، موسسات مالی بین‌المللی نظیر OFCD.BIS, IMF و بانک جهانی و کمیته کارشناسان بانک مرکزی را بر عهده دارند؛ به فعالیت می‌پردازند.

<sup>۲</sup> <http://www.IMF.ORG/external/np/exr/facts/groups.htm#FSF> (14/04/219)

<sup>۳</sup> See: Berman. 2005: 493- 6

<sup>۴</sup> Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

[https://read.oecd-ilibrary.org/social-issues-migration-health/settling-in-oecd-indicators-of-immigrant-integration-2012\\_9789264171534](https://read.oecd-ilibrary.org/social-issues-migration-health/settling-in-oecd-indicators-of-immigrant-integration-2012_9789264171534) (09/06/2019)

<sup>۵</sup> See: Berman. 2005: 35

<sup>۶</sup> Transatlantic network

<sup>۷</sup> multilevel Organizer system

<sup>۸</sup> See: Pollack, Shaffer. 2001: 260.

حکومت ماوراء اقیانوس اطلس (ماورا آتلانتیک) دربردارنده همکاری در سطح بین حکومتی، سطح فراحکومتی و سطح فراملی می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴. چالش روابط فراحکومتی آدر حقوق بین‌الملل

کوهان و نای بر این باورند که در نتیجه ایجاد متغیرهای مهندسی شده مانند وضع ضرب الاجل برای تصمیمات یا استراتژی سیاسی و تقویت روابط درونی جامعه می‌توان سلسله مراتب میان مسائل و موضوعات را تغییر داده و در نتیجه به آسانی قدرت را از منابع نظامی به مسائل اقتصادی انتقال داد و همچنین حوزه‌های مختلف موضوعی را بهم ربط داد، چرا که بیشتر موضوعات ارتباطی فرا اجتماعی دارند. آین نوع طرز تفکر مورد تایید برژینسکی<sup>۲</sup> و کسینجر<sup>۳</sup> نیز بود.

از این روست که در ایده شبکه‌های فراحکومتی و فرا اجتماعی<sup>۴</sup>، محوریت دولت بعنوان مهم ترین عامل در روابط بین‌الملل را به چالش می‌کشد.<sup>۵</sup> این امر با خود نتایجی در بر دارد، از جمله:

- حوزه مسئولیت کشورها به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد،
- ابزار دستیابی به دولت‌ها به تدریج محو می‌شوند.
- از آنجایی که تعامل فراملی عمدتاً فراتر از توانایی دولت‌های مرکزی در مدیریت است، لذا ابزار در دسترس دولت‌ها برای حل مسائل مربوطه کم کم ناپدید شدند.

برهمن اساس، کوهان و نای ایده خود مختاری و استقلال کشور را مهمترین رکن از حاکمیت دولت می‌دانند.<sup>۶</sup> و بر ابقای آن و جدایی حکومت داخلی از حاکمیت بین‌المللی تاکید می‌ورزند.

شراکت بین کوهان و جوزف نای به قدری موفق بود که ایده آن‌ها در صدر بحث نظریه روابط بین‌الملل قرار گرفت. اگر چه کوهان و نای فراحکومت‌گرایی را به عنوان نظریه جدید ابداع نکرده بودند اما در واقع، توانایی آنها در تجزیه، طبقه بندی و دقت در مطالبی که سایرین سال‌های قبل مطرح کرده بودند، اصلی ترین تاثیر را بر روابط بین‌الملل گذاشته است. همزمان با

<sup>۱</sup>See: Pollack, Shaffer. 2001: 261.

<sup>۲</sup> عبارت «روابط فراحکومتی» در دهه ۱۹۷۰ توسط محققان روابط بین‌الملل ابداع شد تا روابط بین مقامات دولتی را تعریف کرده که توسط سیاست‌های کابینه یا مدیران دولت‌ها کنترل نمی‌شوند.

<sup>۳</sup>See: Suhr.2005: 97-101

<sup>۴</sup>Brzezinski

<sup>۵</sup>Kissinger

<sup>۶</sup>Trans social networks

<sup>۷</sup>See: Suhr.2005:100-2

<sup>۸</sup>See: Suhr.2005:100-1

انتشار شاخص‌ترین اثر مشترک کوهان و نای یعنی «قدرت و وابستگی متقابل»، تغییر قابل توجهی در انتظارات بین‌المللی از حکومت‌ها ایجاد شد.<sup>۲</sup>

کوهان و نای در این کتاب که در سال ۱۹۷۷ پس از اوج بحث فراحکومت‌گرایی منتشر گردید؛ دست از تلاش برای ساخت پارادایم جدید جهت تقویت روابط بین‌الملل برداشتند. و بجای آن سعی کردند برنامه تحقیقاتی تازه‌ای در راستای جایگزینی اصل مکمل بودن حضور دولت‌ها به جای اصل متمم بودن حضور آنها ایجاد نمایند. به عبارت دیگر آن‌ها پذیرفتند که «اگر امری براساس یک ایده بین‌المللی مشخص به تنهایی قابل توضیح نباشد، می‌تواند با عواملی از سطوح دیگر (داخلی و سازمانی) تکمیل شده تا قابل تبیین گردد.»<sup>۳</sup> چنین بود که دیدگاه و همکاری آنان باعث رشد روابط بین‌الملل گردید.

این دو اندیشمند چهار روش جهت تحلیل تغییرات ساختاری در جامعه بین‌المللی بسته به موقعیت و شرایط ارائه می‌کنند:

۱. اگر منابع بنیادین قدرت (تشکیل دهندگان جامعه بین‌المللی) با هزینه اندک منجر به تغییر در رژیم‌های بین‌المللی شوند، در تحلیل باید از تبیین قدرت کل آغاز نمود به عبارتی نوعی مدل واقعیت‌گرای محض.
۲. اگر منابع قدرت، قابل تغییر از یک حوزه به حوزه دیگر نباشند، مدل ساختاری موضوع باید نقطه انحراف و تغییر تحلیلی باشد.
۳. اگر قدرت «بواسطه قابلیت‌های سازمانی مانند قدرت رای‌گیری، توانایی تشکیل ائتلاف، و کنترل شبکه‌های منتخب» اعطا شود «یعنی بواسطه قابلیت‌هایی که تحت تاثیر هنجارها، شبکه‌ها و نهادها قرار می‌گیرند»، آنگاه الگوی سازمان بین‌المللی باید بعنوان مبنای تحلیلی استفاده شود یعنی مدل کوهان و نای.
۴. نهایتاً، اگر هزینه‌های اقتصادی درهم گسیختگی الگوهای وابستگی متقابل اقتصادی زیاد باشد، تحلیل باید با تبیین فرایند اقتصادی شروع شود. (Bekker.2013:98).

لذا به طور کلی پیش از تعیین روش یا ترکیب آن باید شرایط حاکم بر حوزه نظام بین‌المللی را تحلیل کرد. تاثیر جالب ایده کوهان و نای این بود که وقتی دولت‌ها (کشورها) در شرایط وابستگی متقابل پیچیده قرار می‌گیرند، مدل سازمان بین‌المللی و ساختار موضوعات آن تعابیر و توضیحات بهتری برای تغییر درونی در رژیم‌های بین‌المللی را پدید می‌آورند. آن‌ها همچنین درباره باور تثبیت شدن این شرایط یا حوزه‌های مطالعاتی در گذر زمان نیز هشدار داده و می‌گویند «ممکن است روشی در یک برهه زمانی کاملاً مناسب باشد اما در برهه زمانی دیگری جواب ندهد.» در نتیجه، با موقعیت‌شناسی، ظاهراً کوهان و نای از این

<sup>۱</sup>Power and interdependence

<sup>۲</sup>See: Leibfried, Zürn.2005:11-12.

<sup>۳</sup>See: Leibfried, Zürn.2005:14

دیدگاه فاصله گرفته اند که نظام بین‌الملل دستخوش مدرنیزاسیون تدریجی اما نسبتاً خطی شده که مشخصه آن وابستگی متقابل پیچیده است.

##### ۵. نتیجه گیری

در گذشته نه چندان دور شاید اصل تشکیل یک دولت سرزمین، تنها ملت و قدرت بود، اما امروزه یک حکومت نمی‌تواند بدون ارتباط با سایر کشورها دوام بیاورد. لذا به نظر می‌رسد باید عنوان ارتباطات بین‌المللی که الزاما در راستای قانونمند سازی آنان، بر اساس مولفه‌هایی ایجاد می‌شوند؛ نیز جز اصول اساسی تشکیل یک حکومت قید شود. قبل از جهانی شدن، دولت‌ها، حاکم بلامنازع روابط بین‌الملل بودند و هرگونه اعمال حاکمیت توسط آنان انجام می‌شد. با ایجاد روابط بین‌الملل از زمان مورخ یونانی "توکودیدس" ایجاد اتحاد و هماهنگی میان کشورها بیشتر و پیچیده‌تر شد. ظهور رویکرد و ابعاد جدید در سطح جهانی بر پیچیدگی مدیریت روابط بین‌الملل افزوده و ارائه چارچوب منسجم‌تری در مورد آن را بسیار سخت‌تر نمود. لذا حکمرانی بر روابط بین‌المللی مسئله‌ای مهم تلقی گردید که با اعمال منطقی و به هدف دستیابی به آثار و منافع معینی توسط دولت‌ها ایجاد و سپس حفظ شد. البته تمرکز بر دو امر ظهور و حفظ روابط جاری در نظام بین‌المللی با تاکید بر قصد و نیت عاملان و بازیگران و چگونگی عرضه ایده‌های هژمونیک دولت‌ها، امری کاملاً یکطرفه است و در نتیجه تعریف دولت‌ها را به یک الگوی رفتاری تکرار شونده تنزل می‌دهد. در حالی که محوریت اصلی و مهم‌ترین عامل در روابط بین‌الملل وجود دولت‌هاست.

از همین روی کشورها تصمیم به ایجاد سازمان‌هایی در سطح بین‌المللی گرفتند تا روابط میان دولت‌ها با دخالت کمتر آنان در حفظ روابط سازمان‌دهی و ضابطه‌مند گردد. البته انتقال اطلاعات و مدرنیزاسیون کشورها، دولت‌ها را به یک وابستگی متقابل که از دید کوهان اصل اساسی موجد ارتباطات بین‌المللی است؛ دچار می‌کند. لذا به منظور کاهش حوزه مسئولیت کشورها که به میزان قابل توجهی افزایش یافته بود؛ بازیگران دیگری چون سازمان‌های بین‌المللی، شبکه‌های فراملی، شبکه‌های فرا اجتماعی و شبکه‌های فراحکومتی جهت رفع نیاز دولت‌ها پا به عرصه وجود می‌گذارند. البته که نظام دوقطبی، برخوردهای ایدئولوژیک همچنین نگرانی از بین رفتن حاکمیت دولت‌ها باعث می‌شد که دولت‌ها در مقابل ورود هر بازیگر جدید، موضع بگیرند و احتیاط بیش از حدی از خود نشان دهند. در همین راستا سازمان‌های بین‌الدولی نیز در کنار دولت‌ها قرار گرفتند تا نسبت به تضمین و تداوم حاکمیت کشورهای قدرتمند، اطمینان حاصل شود. با این همه نتوانستند خلاهای ایجاد شده بر پایه

نیازهای جوامع را از میان بردارند. به همین خاطر رفته رفته با بسط حقوق بین‌الملل شبکه‌های فراملی و فراحکومتی ایجاد شدند تا تعاملات فراملی که عمدتاً فراتر از توانایی مدیریت دولت‌های مرکزی بوده را به دست گیرند.

چالش ذهنی کوهان و نای از میان رفتن استقلال کشورها بود، لذا ایده خود مختاری و استقلال کشور را در کنار حمایت دوردور شبکه‌های بین‌المللی مهمترین رکن از حاکمیت دولت می‌دانند. به طور کلی شبکه‌های فراملیتی یکی از فرصت‌های مهم برای جهانی عمل کردن را پدید آورد. در حالی که امروزه شبکه‌های فراملیتی تنها در حوزه تجارت باقی مانده اند در سایر حیطه‌ها تبدیل به پلکانی جهت ایجاد شبکه‌های فراحکومتی شده‌اند. تا دولت‌ها بدون نیاز به قید و بند قوانین بین‌المللی به اهداف خود دست یابند. شبکه‌های فراحکومتی با تاکید بر توسعه اقتصادی و وابستگی متقابل بعنوان نیاز و مطالبه زیربنایی مشارکت و حضور فرامرزی در حقوق و سیاست بین‌الملل، بر حقوق و سیاست داخلی تاثیرات چشم‌گیری داشته‌اند. لیکن صرفاً چون ابزاری برای رسیدن دولت‌ها به اهداف خود هستند، لذا به خودی خود اهمیتی ندارند. به عبارتی دولت‌ها در غالب بازیگران غیر رسمی نظام بین‌المللی پا به عرصه گذاشتند تا اهداف خود را دنبال نمایند.

این شبکه‌ها می‌توانند در داخل نهادهای بین‌المللی و در چارچوب موافقت‌نامه‌های مختلف بین دولتی از انواع مختلف و به صورت خود مختار برای تعامل، هماهنگ کردن سیاست و حل مشکلات مشترک نفوذ کند. شاید بتوان نفوذ شبکه‌های فراحکومتی در نظام بین‌الملل را یک انقلاب آرام نام نهاد. چرا که با قدرت توانسته کشورها را با خواست خود مجبور به تبعیت از (استانداردهای) خود کنند و در عمل به شکلی ظاهر شوند که گویا کشورها خود خواهان وجود این شبکه‌ها و سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذی آنها هستند.

از آنجایی که در حال حاضر هیچ دستگاه نظارتی نمی‌تواند بر شبکه‌های فراحکومتی اشراف داشته باشد خلاهای نظارتی ایجاد شده و این امر خود محوریت شبکه‌ها را تقویت می‌نماید. لذا باید تدبیری اندیشید تا با ایجاد شبکه‌ای فراتر از شبکه‌های فراحکومتی امکان قانون مند کردن فعالیت‌ها و نظارت بر مصوبات آنها از تعدی‌های (خواسته یا ناخواسته آنها) به کشورها جلو گیری شود. امید است که بتوان در مقاله‌های آتی چالش‌ها، منافع، محدودیت‌ها و قانون مند کردن شبکه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

۵. منابع و ماخذ

- فارسی
- بیگ زاده، ابراهیم؛ (۱۳۹۵)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*؛ چاپ چهارم، تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مجد.
- انگلیسی

- A. Pollack, Mark, Shaffer, Gregory C., (2001), *Transatlantic Governance in the Global Economy (Governance in Europe Series)*, First Edition, (Maryland: Rowman & Littlefield Publishers.
- Berman, Paul Schiff, (2005), “From International Law to Law and Globalization”, *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 43.
- Boulder, Co, in Ole Holsti (ed.), (1967–77), “Theory of Hegemonic Stability and Changes in International Economic Regime, Change in the International System”, *Westview Press*.
- Buell, Raymond Leslie, (1925), “International Relations”, *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, H. Holt and Company, Vol. 126.
- C. Jessup, Philip, “Transnational Law”, (1956), *Yale University Press*, the University of Chicago Law Review, Vol. 24, No. 2.
- Giandomenico, Majone, (2011), “The rise of the regulatory state in Europe”, *West European Politics*, London School of Economics (LSE).
- George T. Crane , Abla Amawi, (1997), *The Theoretical Evolution of International Political Economy*, Second Edition , Oxford University Press: Clarendon,
- Hayes-Renshaw, Fiona, and Wallace, Helen, “The Council of Ministers”, (1997), *Yearbook of European Law*, Volume 17, Issue 1.
- H. Hammond, Thomas, H. Knott, Jack, (1996), “Who Controls the Bureaucracy? Presidential Power, Congressional Dominance, Legal Constraints, and Bureaucratic Autonomy in a Model of Multi-institutional Policy-Making”, *Journal of Law, Economics, and Organization*, vol. 12.
- H.F. Bekker, Pieter, (2013), “Recalibrating the Investment Treaty Arbitration System through Non-Compartmentalized Legal Thinking”, *Harvard International Law Journal*, Vol. 55.
- L.Friedman, Thomas, (2012), *the Lexus and the Olive Tree: Understanding Globalization*, Second Edition United States: Picador.
- Leibfried, Stephen, Zürn (eds), Michael, (2005), *Transformations of the State?*, First Edition, (United Kingdom: Cambridge University Press.



- M. Haas, Peter, (1992), “Introduction: Epistemic Communities and International Policy Coordination”, *International Organization, Knowledge, Power, and International Policy Coordination*. Vol. 46, No. 1.
- Oecd, Draft Agenda, (2016) “Joining forces on global standards for better lives”, *Oecd headquarters*, Paris.
- O. Keohane, Robert, (1966), *Political Influence in the General Assembly*, First Edition, New York: International Conciliation 557.
- O. Keohane, Robert, ed. Krasner, Stephen, Ithaca, NY, (1983), “The Demand for International Regimes”, in *International Regimes: Cornell University Press*. Vol. 26, No.1.
- O. Keohane, Robert, S. Nye, Joseph, (1974), “Trans governmental Relations and International Organizations”, *World Politics*, Vol. 27, No. 1.
- O. Keohane, Robert, Nye, Joseph S., (2011), “Power and Interdependence revisited”, *Longman Classics in Political Science: Pearson*, Vol. 41, No. 4.
- Porea, Tony, (1993), “states, markets and regimes on global financial issues”, *TEX International Magazine L.G.*
- Princeton, NJ, (1984), *After Hegemony. Co-operation and Discord in the World Political Economy*, First Edition, First Edition, Princeton: Princeton University Press.
- Suhr, Michael, (2005), *The Future of International Relations*, Edited by Iver B. Neumann and Ole Wæver, Robert O. Keohane, First Edition, a contemporary classic, London.
- W. thurner, Paul, Urban Pappi, Franz, (2009), *European union intergovernmental conferences Domestic preference formation, trans governmental networks and the dynamics of compromise*, First Edition, The academic association for contemporary European Studies, London.

• سایت

- <https://doi.org/10.2307/2009925>
- [http://www.hrw.org/english/docs/2005/01/04/chile9943\\_txt.htm](http://www.hrw.org/english/docs/2005/01/04/chile9943_txt.htm)
- <http://news.bbc.co.uk/1/hi/>

- <http://www.ictj.org/en/where/region2/518.html>
- <http://www.icc-cpi.int/cases.html>
- <http://www.ictj.org/en/where/region1/512.html>
- <http://www.info.gov.za/otherdocs/2003/trc/rep.pdf>
- <http://www.ksg.harvard.edu/cbg/trade/keohane.htm>
- [http://www.hrcberkeley.org/download/seminar\\_indonesia.pdf](http://www.hrcberkeley.org/download/seminar_indonesia.pdf)
- <http://www.IMF.ORG/external/np/exr/facts/groups.htm#FSF>
- <http://www.oecd.org/gov/regulatory-policy/irc7.htm>
- [https://www.bis.org/about/member\\_cb.htm?m=1%7C2%7C601](https://www.bis.org/about/member_cb.htm?m=1%7C2%7C601)

## Transnational networks transition from modernity to postmodernity

### *Abstract*

Local societies are the most fundamental and preliminary pivot on which the international relations in other words international community are developed. During years while the concept of "government" was being introduced, the goal of integrating governments and forming a single international community, which nowadays, as a growing phenomenon, plays the leading role in the world community, was always pursued. However, to achieve this goal which is about to be fulfilled in current situations, unifying viewpoints of the involved governments and the international system takes priority as well as resolving disagreements. In addition, efforts to develop new and advanced discipline was strengthened. In new international

discipline, by putting aside governments as the main actors of the international community and replacing the government agents who build up horizontal networks aligned with special subjects which are related to themselves instead of the independent presence of the governments; the international competition was created between the subordinates and the patterns. Although some international followers struggle with the limitations of transnational processes on domestic society and seek to facilitate the onerous transition from tradition to modernity by using the effects of the globalization process, it seemed necessary to amend previous laws to be responsive to the global activities of organizations that now face the changing nature of new structural patterns. Therefore, the need to provide a pattern for organizing the subordinates, led to the world politics official acceptance of these networks and not only prepared to strengthen the core of the structure of the new world discipline, but also tried to help the transition from modernity to postmodernity. These networks, known as transgovernmental networks, emerged by leaving behind transnational networks and transgovernmental relations, and are trying to bring about a more advanced overall structure in the international community. In this essay we are conducting a research for examining, evaluating and applying transgovernmental networks in international law with the aid of a descriptive-analytical method.

Key words: International Subjects, International Government, Transgovernmental Relation, Transgovernmentalize, Transgovernmental network